

قیمت: قبلاً حساب شده:

در حاشیه افزایش سرسام آور قیمت حبوبات و پرواز آن از سفره مردم



کارتون: محمدعلی رجبی

راهکارهای
جذب دانشجو

کبر کی / صفحه ۴

خاطرات یک
مدیر ساعتی

میشه اینجا بره؟ / صفحه ۲

روش های
درست برخورد
با مصرف نادرست!

من دیگه یک دقیقه هم توی این شهر نمی مونم!

● الو! زن! وُخه بیا اورجانس بیمارستان امدادی. ماشین یزم زده، توخ توخ رفتم!

یک ساعت بعد...

● خدا بکشت مرد! چی کارت شده؟! الهی بمیری، ولی روی تخت بیمارستان نبینمت!

● یرِه زن! مو دگه امیدی یزم نیست! اگر مُردم، به پسرُم بوگو وُختی گُنده رُفت، انتقامُم ر اُزی رازنده های مَشدی بیگیره!

● باشه! حالا تا عزرائیل نبردت، زود تعریف کن ببینم چه بلایی سرت اومده.

● صُبی کَله کُردُم یُرم سَر کار، هَم مُخواستَم از صدمتری رَد بُرم، ناسَن یک یِرگه رو هَم موتورس دراز کِشیده بود و قلیون مکِشید و دَسَت ول داشت می آمد سَمُتم. از ترس ای که ای دیونه نَزنه یزم، پَرِیْدُم چفت بولوار. واز یک یِرگه چَلغوز دگه رو سی جی ۱۲۵ داشتگ تَک جُفت پا رو زین مَرَد و نزدیک بود یَزنه غُرْدَنَه م گنه که واز دُویْدُم توی پیاده رو. اونجه یک یِچگه چُمبه رو چَرخَش یک عالم اُزی بوقای تَلیری دَلنگون کرده بود و هَم یک بوق بنز اتن چفت گوشم زد که واز از ترس پَرِیْدُم وسط صدمتری. اونجه یک پُرایدیه داشتگ عین کَلِپسه مُجَلِّید و از هَم وسط ماشینا لایی مکِشید و مُخواست از هَم روم رَد بره که جَسَت رَدُم توی شمشادا وسط بولوار. واز یک اتوبوس، خَط سبقت ر گیرفته بود و همچی تند رفت که بادش گیریف یزم و عین ما زلاق چَرخُم داد و گُرمبَسَتی رَدُم به زیمین و اُسْتَقونام شیکست.

● آخه مرد! صدبار بهت گفتم توی مشهد وقتی می خوای از خونه بری بیرون، باید زره فولادی بپوشی! مگه نشنیدی که گفتن: «رانندگان خراسان رضوی جزو بدترین ها هستند»؟! رئیس پلیس ترافیک شهری پلیس راهور فراجا گفته: «خراسان رضوی جزو پانزده استان با بیشترین سهم در تصادفات معابر شهری است».

● ها زن! خدا اَزشا نگذره به حق پَنشَتَن. توی مَشَد خدا به ما پیادیا رحم کنه. بَقول دَاش گلزار، مو دگه یک دَقه یم توای شهر نمائم!

مَشَه ایچور بره؟! خسرو آبادیان

روشن های درست بر خور با مصرف نادرست!



اردیبهشت ۱۴۰۴: یک مسئول شرکت برق: امروز برق یک بانک را یک ساعت قطع کردیم. پس از آن نیم ساعت وصل کردیم و دوباره یک ساعت قطع کردیم و تا سه بار این کار را تکرار کردیم تا مصرفش را کاهش دهد. (عصر ایران)

خرداد ۱۴۰۴: مسئول شرکت برق: امروز با کارمندان رفتیم جلو یک بانک و با سنگ زدیم یکی از شیشه هایش را پایین آوردیم. هنوز خرده ریزه های آن را جمع نکرده بودند که یک شیشه دیگر را هم شکستیم! سه بار این کار را تکرار کردیم تا مصرفش را کم کند.

تیر ۱۴۰۴: مسئول شرکت برق: امروز تعدادی از کارمندان را فرستادیم تا از پشت شیشه زبان درازی کنند و بعد فرار کنند. دوباره پس از نیم ساعت همان کارمندان را فرستادیم و سه بار این اتفاق افتاد تا کمتر مصرف کنند.

مرداد ۱۴۰۴: مسئول شرکت برق: امروز یک جلسه اضطراری با کارکنان خودمان گذاشتیم تا بروند و به کارمندان آن بانک حرف های زشت بزنند. سه بار رفتند، ولی چون هربار رفتند، بانک چند نفر مراجعه کننده خانم داشت، این برنامه منتهی شد.

شهریور ۱۴۰۴: مسئول شرکت برق: امروز یکی از کارمندان خودمان را که در آن بانک داخل حسابش ۱۰۰ هزار تومان موجودی دارد، توبیخ کردیم و او را موظف کردیم برود یک بانک دیگر که برق کم مصرف می کند، حساب خالی خود را باز کند.

مهر ۱۴۰۴: مسئول شرکت برق: امروز یکی از کارکنان ما آمد و گفت: به جای این کارها بهتر نیست با رده های بالاتر همان بانک گفت و گو کنیم و اگر به نتیجه نرسیدیم، از بانک مرکزی که مسئول نظارت بر آن هاست کمک بگیریم؟ همان جا به او خندیدیم و ادایش را درآوردیم. سه بار این کار را تکرار کردیم تا دخالتش در کار ما بزرگ ترها را کاهش دهد.

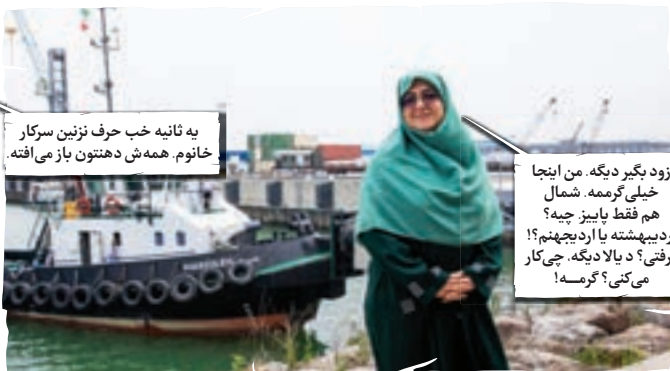
صفحه ۲

۲۷ اردیبهشت ۱۴۰۴

شماره ۱۳۹

کُخ تو کُخ منصوره احمدی

سفر سخنگوی دولت به بندرانزلی



به ثانیه خب حرف نزنن سرکار خانوم. همه ش دهننون باز می افته.

زود بگیر دیگه. من اینجا خیلی گرممه. شمال هم فقط پاییز چیه؟ اردیبهشته یا اردیبهنیم؟! گرفتی؟ د یالا دیگه، چی کار می کنی؟ گرمه!

عزیمت رئیس مجلس شورای اسلامی به اتانوزی



بدرود خاموشی! بدرود ناترازی! آخ چون کولر! پسر، اون کولر رو بزن روی دور تند. مردیم از گرما. کنترلش رو هم بذار کنار. فرمون، اومدم...

در حاشیه جلسه هیئت دولت



آخ چه دل ضغفه ای... دلم سفر کاری خواست... می گم میدری، پایه ای بریم به فلافل، خوراک هندی ای چیزی بزنیم؟

چیزه، گشتم نیست. یعنی می دونی، گشتمه ها، ولی شغلم رو دوست دارم. فعلا نمی خوام استیضاح شم!

مجلس شورای اسلامی



۲ صبح که خود خروسم خوابه!

۱ چرا کودکان ما می توانند ساعت ۶ صبح به مدرسه بروند اما ۴ صبح نه؟ با دو ساعت زودتر، ناترازی نصف خواهد شد!

درس و مشق سحرگاهی

ما درس سحر در ره میخانه نهادیم

محصول دعا در ره جانانه نهادیم

در خرمن صد زاهد عاقل زند آتش

این داغ که ما بر دل دیوانه نهادیم

سلطان ازل گنج غم عشق به ما داد

تا روی در این منزل ویرانه نهادیم

فرمودن درس سحر، احتمالا فال مربوط به بچه مدرسه ای هاست که ساعت شیش صبح گفتن برن مدرسه و از خود سحر درس خوندن رو شروع کنن؛ هرچند مصرع دوم اشاره ای داره به سؤالات وزیر باکفایت نیرو مبنی بر اینکه چرا هواگره؟ چرا آب نیست؟ چرا خورشید می تابه؟ چرا زمین می چرخه و... در بیت دوم جناب حافظ می گه این مقاومت در مقابل تغییر دادن ساعت و به جاش عقب و جلو کردن کارمندا و دانش آموزا خیلی عجیبه!

در بیت سوم می فرماید این شانس بد ما بوده که هم اومدیم بریم مدرسه، (منظور از ویرانه همون مدرسه است) همه چی ناتراز شده؛ و جبران این ناترازی های ناشی از بی کفایتی هم شده این وضعیت ما.



در حاشیه سفر ترامپ به خلیج فارس



صفحه ۲

۲۷ اردیبهشت ۱۴۰۴
شماره ۱۳۹

سحر خیز باش تا دانش آموز ما باشی!

از پول ملی را دنبال می کنیم. البته خیلی ها می گویند که این طرح فقط صوری است و هیچ فایده ای برای مردم ندارد. در حالی که با این اتفاق، اگر خدای نکرده اختلاسی، چیزی اتفاق افتاد، رقمش راحت تر خوانده خواهد شد. این اگر فایده نیست، پس چیست؟

واقعی ترین ممنوعه هفته: وزیر صمت گفته است که بر ممنوعیت ورود کالاهای خارجی دارای مشابه داخلی اصرار داریم. البته تا الان که بیشتر اصرار روی قطع برق کارخانجات تولید داخلی بوده است تا کالاهای دارای مشابه و چیزی که فعلا ممنوعیت دارد، ممنوعیت ورود برق به کارخانجات داخلی است!

سحر خیز ترین مصوبه هفته: وزارت آموزش و پرورش تصویب کرده است که دانش آموزان ساعت ۶ به مدرسه بروند. اگر با همین فرمان جلو برویم، سال دیگر پدر و مادرها به دانش آموزان می گویند: «زود شامت رو بخور که مدرسه ت دیر شد.»

پول زورترین تعرفه هفته: مردم ناراحت اند که چرا اپراتورهای اینترنت درخواست کرده اند اینترنت ۷۰ درصد گران تر شود. مثل اینکه نمی دانند با این قیمت های جدید، ما نیستیم که اینترنت می خریم، بلکه این اینترنت است که دارد کل زندگی ما را می خرد.

کم صفرترین ریال هفته: رئیس بانک ملی گفته است که حذف چهار صفر



عضو کمیسیون بهداشت: برخی بیماران با پرداخت هزینه درمانی دچار فقره مطلق می شوند

دلا پیا نیفتی داخل چاه
که عمر شادمانی هست کوتاه
دلا سرما نخور، سرما چو خوردی
به زیر خط فقر اقی به ناگاه

از این تاریخ تعرفه جدید روی قبوض آب اعمال می شود

سه مشکل شد برایم دردسرساز
غم برق و غم آب و غم گاز
دلا سودی نداره آه و ناله
برو فورا سه تایی را بپرداز

گزارش افسار گسیخته حیوانات؛ سبقت لو بیاز گوشت

حیواناتی و نرخ خاویاری
از این رو غالبا در احتکاری
شدی پر فیس و باد از بس گرونی
همین جوریه می گن باد داری!

پلمب کارگاه تولید غیر مجاز سوسیس و کالباس با گوشت گراز در مازندران

می گفت کالباس هاش از مرغ و غازه
نفهمیدم که از گوشت گرازه
برو اورژانس را فورا خبر کن
بگو افتاده اینجا یک جنازه!

خاطرات یک مدیر ساعتی

شنبه، نگارنی لوبیا

عجب بساطی شده! امروز جلسه داشتیم با مدیران ساعتی تا برای تعیین ساعت کاری ادارات تصمیم گیری کنیم. عده ای زودتر رسیدند، عده ای دیرتر. جلسه تشکیل نشد. گفتیم مدیران ساعتی ما که این طور هستند، وای به حال بقیه. ناهار دیزی با گوشت گوسفندی و دنبه بود. نخود لوبیا هایش یک درمیان بود. پیگیر شدم، آشپز گفت حبوبات گران و کمیاب شده است.

یکشنبه، هزاران حسن تغییر ساعت

امروز جلسه دیروز برگزار شد. بعد از دو ساعت بحث و بررسی، به این نتیجه رسیدیم که ساعت کار ادارات را به ۶ صبح تغییر دهیم. به گفته کارشناسان، این طوری هم از نور روز بیشتر استفاده می شود، هم نাত্রازی انرژی کم می شود، هم در مصرف گاز و برق آب و تلفن و اینترنت صرفه جویی می شود، هم بنیان های خانواده تحکیم می شود، هم ترافیک روان تر می شود، هم آلودگی هوا کمتر می شود، هم چندین دلیل دیگر هم گفتند که یادمانده است. فکر کنم لوبیا های دیروز دیریز بودند، رودل کرده ام.

دوشنبه، ساعت و حفاظت از یوزایران

مردم شاکی شده اند که ما وقتی ۶ صبح برویم سر کار، بچه هایمان را که ساعت ۷ و ۸ باید به مدرسه و مهد کودک بروند، چه کار کنیم؟ به کارشناسان گفتیم شما درباره اثرات تغییر ساعت روی سوراخ لایه اوزون و انقراض یوزایرانی تحقیق کرده اید، ولی به موضوع به این مهمی توجه نکردید؟ قرار شد دوباره جلسه بگذارند و برای این تصمیم بگیرند.

سه شنبه، نگارنی از موی سوخته

زری پیام داد که آرایشگر موهایش را سوخته است. سریع راننده و دستیارم را فرستادم تا ببینم چه شده است. فهمیدیم منظور این بوده که رنگ مویش کمی تیره تر شده است. نگرانی مان برطرف شد. به همین مناسبت امروز چلو ماهی سفارش دادم با سبزی پلو. ماهی اش خیلی تیغ داشت. آشپز را اخراج کردم.



کارتون: محمد علی رجبی

چهارشنبه، رکوت به تور آیشار نیاگارا

محبت بین خانواده بیشتر می شود. یاد دوران تحصیل فری افتادم. دلم برایش تنگ شد. رنگ زدم. گفت تازه با مایکل از تور آیشار نیاگارا برگشته است. خیلی اصرار کرد که سه ماه تابستان برویم پیششان، ولی قول ندادم. کارم خیلی زیاد است. شاید دوسه هفته ای برویم و برگردیم.

خروجی جلسه دوم این شد که ساعت کار مدارس از ساعت ۶ صبح تا ۱۳ بشود. در مدارس دونوبته، نوبت اول از ساعت ۶ صبح تا ۹:۳۰ و نوبت دوم از ۱۰ صبح تا ۱۳:۳۰ فعالیت داشته باشند. این طوری صبح ها والدین کارمند می توانند بچه ها را خودشان به مدرسه و مهد ببرند و

پنجشنبه، جان دارن برای میرزا قاسمی

کار کارشناسی کرده ایم. یعنی هر چه به حرفشان گوش بدهیم، باز بیشتر ادعا می کنند و طلبکار می شوند. به مهندس پیام دادم که در نشست خبری شنبه بگوید همینی که هست. ظهر برای شنا به باغ حاجی رفتم. زری پیام داد که همراه بادمجان بخرم. می خواهد میرزا قاسمی درست کند. برای میرزا قاسمی هایش جان می دهم.

واقعا گاهی وقت ها از این مردم ناامید می شوم. دائم در حال غرزدن و شکایت کردن و ایراد گرفتن هستند. وقتی این روز تعطیل هم برایشان کار می کنیم، باز می گویند بچه ها کله سحر بیدار نمی شوند. مدعی هستند که اگر ساعت هارایک ساعت جلو می کشیدیم، این مشکلات پیش نمی آمد. حیف که نمی فهمند ما چند ساعت

صفحه ۴

۲۷ اردیبهشت ۱۴۰۴

شماره ۱۳۹



حافظه سه ثانیه ای

کودکان حافظه ای عجیب دارند. اگر بگویید «جمعه می برمت پارک»، حتی اگر روز قیامت جمعه بیفتند، همان روز دنبالش را می گیرند. بدقولی ما به آن ها یاد می دهد که قول، چیزی برای فراموش شدن است.



لقمه های بزرگ تر از جیب

«اگر کارنامه امسالت بیست بشود، برایت دو چرخه می خرم!» کودک بیست می شود، ولی جیب والدین تهی تر از آن است که حتی زنگ دو چرخه را بخرند. حالا یا باید بدقولی کنیم، یا بهانه بترشیم. هردو، همان قدر آسیب زاست. بهتر نیست از اول بگوییم: «اگر تلاش کنی، با هم یک بستنی می خوریم؟» هم در توان ماست، هم در دل کودک شیرین می نشیند.

الو الو من کودکم!

گاهی بی آنکه متوجه باشیم، کودک ما دروغ را از خود ما می آموزد؛ نه در کلاس، نه از تلویزیون، نه از هم کلاسی ها، بلکه از خانه، از زبان پدر و مادر؛ آن هم نه با نصیحت، بلکه با عمل.



فرهنگ شهروندی فرزانه زینلی

آقای دکتر، من به همه فالوئرام گفتم با رژیم گیاهی دارم لاغر می‌کنم. اگه تگ کنین، آن فالو می‌کنم ها!

با یک عمل بایپس معده، این بیمار از من هم لاغرتر می‌شه! لایک فراموش نشه



کارتون: شهرام شیرزادی

پای صحبت یک پزشک بلاگر

معاونت فنی و نظارت نظام پزشکی گفته است حدود ۲۰ هزار پزشک ثبت شده داریم که حدود هشتصد نفر از آن‌ها پزشک بلاگر هستند. بسیاری از افراد فعال در این فضا اصلاً پزشک نیستند، بلکه مداخله‌گران غیرمجاز یا تکنسین‌هایی هستند که فاقد مجوزهای لازم‌اند و اساساً صلاحیت پزشکی ندارند. به این بهانه با یک پزشک بلاگر معروف صحبت کردیم تا بیشتر با این شغل آشنا شویم.

پایه: خودتون رو معرفی می‌کنین؟
یعنی من رو نمی‌شناسی و بهم پیام دادی؟
بلاک!

پایه: نه، ما که می‌شناسیم. می‌خواهیم خواننده‌ها مون هم باهاتون آشنا بشن.
من دکتر ارست هستم؛ متخصص زیبایی، فیزیوتراپی، تغذیه، روان‌درمانی و اورولوژی.

پایه: یعنی توی همه این رشته‌ها تخصص دارین؟
بله، امری بود؟

پایه: خیر. می‌شه بگین از کی کار بلاگری رو شروع کردین و چندتا فالوئر دارین؟
دو ساله شروع کردم به بلاگری و ۱،۵ میلیون فالوئر دارم که حتی یکی‌شون هم فیک نیستن. قصد دارم تا دو ماه آینده این تعداد رو دو برابر کنم.

پایه: به سلامتی. کمی از فعالیتاتون در طول روز می‌گین؟
صبح که بیدار می‌شم، روتین روزانه‌م رو

به صورت لایو برای بچه‌ها انجام می‌دم. بعد می‌رم می‌دوم دور پارک. صبحانه رو توی یه کافه که مهمونم‌کنه، می‌خورم. یه دوش می‌گیرم و می‌رم مطب. توی مطب هم دوربین رو روشن می‌ذارم تا بچه‌ها نحوه طبابت‌م رو ببینن و به بیمارام بخندن. بعد ناهار رو می‌رم رستورانی که دعوت‌م کرده باشه. اونجا سر میز لایو غذا می‌خورم. عصر هم پاسخ به پرسش‌های پزشکی دارم.

پایه: جسارته. ولی آیا از نظر اخلاقی حرفه پزشکی، اینکه شما اطلاعات بیماراتون رو منتشر کنین، درسته؟

اینش به خودم مربوطه. مثل اینکه تو نمی‌دونی داری با یک پزشک مملکت حرف می‌زنی! بلاکت کنم؟
پایه: نه، ببخشین. معمولاً چه محتواهای آموزشی برای فالوئراتون دارین؟ البته من خودم می‌دونم، برای مخاطبان پلخمون می‌پرسم.

پایه: در پایان اگه خاطره جالبی از این کار دارین، ممنون می‌شم برامون تعریف کنین.
خاطره که زیاده، ولی جدیدترینش این بود که یه بیماری اومد پیشم که گوشت کوب رو کرده بود توی دماغش و گیر کرده بود. قبل از اینکه دربیارمش، یه لایو باهاش رفتم و حدود ۱۰۰۰ فالوئر و ۲۸ تا تبلیغ گرفتم. خیلی خوب بود. یادش باشه که آدرس پیجم رو حتماً بزنن، وگرنه ازت شکایت می‌کنم.



الگوهای کوچولو برای زندگی بزرگ

حتی تماس تلفنی پدر که می‌گوید «بگو نیستم»، برای کودک یک پیام روشن دارد: «گاهی دروغ، راه حل است.» یا مادر که جلو در، رو به مهمان می‌گوید «ما الان داشتیم می‌رفتیم بیرون»، درحالی‌که بیژامه تازه تاحورده، به کودک می‌آموزد که دروغ برای بادبی لازم است!



دروغ‌های کوچک بزرگ

گاه برای ادب‌کردن کودک، از دروغ‌های تربیتی استفاده می‌کنیم: «اگر جیغ بزنی، پلیس می‌آید تو را می‌برد.» پلیس بیچاره را هم بدنام می‌کنید!

سخنگوی اتحادیه بنکداران مواد غذایی: **نفع با**
وارد کننده، لوبیاچیتی را با آرزو می فروشد اما اصناف بزرگ می شود
والدین بچه ها را دعوت می کنند

فرزین: امسال حذف نخ فرد کارهای روی بام های باند از پول ملی را دنبال می کنیم	وزیر کشور: چون هر قدر زور زنیم با منابع دولتی نمی توانیم کشور را آباد کنیم پس باید دیگر بستر را برای تولید ایجاد کنیم فرا ب راحت مسئولان دولتی سرکارشان بهن	زینسکی: ما برای فردن میابا هر نوع نخ کمرهای آماده ایم میکایلی، چه میوانی
وزارت بهداشت: ۱۲ میلیون ایرانی مجرد هستند چون ضعیفی روی فالی مانده صفحه دوم شناسنامه شان صاف هستند	رئیس مجلس: کارت های بانکی مردم هستند ۹۵ درصد از چون بی خاصیت هستند و آورده ای ندارد مانده ای	سخنگوی دولت: خوبه باب سیر کو بیده با قیمت متری از ده آون ایستادن را در حال منطقی نیست

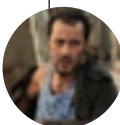
۵ چرا ناراحتی؟ دولت مردم	۳ باید بگیم برای تقویت زیرساخت ها می خواهیم گرون کنیم	۱ می خواهیم یه کوچولو در حد ۷۵ درصد اینترنت رو گرون کنیم
۶ ایرانورها می خوان اینترنت رو ۷۵ درصد گرون کنن	۴ این جوری دولت هم مخالفت نمی کنه	۲ اماتازه گرون کردیم و مجوز نداریم
۷ نگران نباش! من نمی دارم فقط اجازه می دم ۷۴/۹ درصد گرون کنن. تازه اونم به شرط تقویت زیرساخت ها!		

داداش کشت کُک داشتی، یه
 ندا بده والتر وایت رو بفرستم
 آشپز خونه ت تست. آفکورس
 که سیس کارتل مارتل و باند
 ماند و مافیا برداری، هم
 خودت رو به چخ می فرستم،
 هم اون ۶۰۰ رو. افتاد؟
 ضمنا اول جنس، بعد پول.
 مرتس نگفتم من روی قاشق
 گُکم وسواسم؟ پاشواین رویه
 آب بزن بیار، یالا.



مکرون

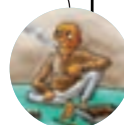
بزن کف قشنگه رو واسه اون
 شیر پاک خورده ای که بالاخره
 فهمید سرمایه گذاری کجا جوابه.
 شما بکار، من خودم مشتری ام.
 بدون پورسانت. تهشم ایشالا یه
 زندون و بازداشت قسمتمون. بعد
 یه عمر خلاف، یه عاقبت به خیری
 زندونمون نشه؟ نیگاچه خوشگل
 یکی می ره اون تو، می آد بیرون
 سایا می خره، یکی دو ماد
 می شه! #بابک_زنجانی #نتلو



ساقی

تدوین طرح کشت مجاز خشخاش در مجلس:
 کشاورز بکار، دولت بخرد، داروساز مصرف کند. به بیش از
 ۶۰۰ تن تریاک برای تولید داروهای ضروری نیاز داریم.

قربون آدم چی بفهم. خدا گواهی مشرف ما هم داروئیه،
 لامشب دوتا کام نگرفتی، توی آشمونی. فقط من
 اشترش دارم دولت ورود کنه. مهار تولید، رشد تورمه
 نشه؟ عین قژی لوبیا؟ که تا یه چیژی رو خودمون
 می کاریم. یهو این قدر شادر کنیم به افغانستان و
 پاکستان که ناترازی شه. شوبله چوبله به خودمون
 بفروشن؟ ها؟ نه اشلا ولش کنین. شما توی این قژی
 ورود نکنین، کم ژرتره.



مصرف کننده



بگیم چشم؟!

آاااا... آاااا... پاسخ شنید: «خب اول شما می‌زنید یا ما آاااا؟!» گفت: «هم ما آاااا، هم شما! شما زورتون زیاده، ما وزنمون! توی همین تلویزیونی که بالای طویله گذاشتن که موسیقی پخش کنه و شیر ما زیاد بشه، بعضی وقتا خط رو خط می‌شه و اینترنر ررررنچرال پخش می‌کنه که می‌گه شما خرید، شما گاوید! اگه اینا رو بگیرید زیر مش و لگد، یاد می‌گیرن حقوق حیوانات رو در کنار حقوق انسان‌ها رعایت کنن.» خره گفت: «ولی من ندیدم!» گاو گفت: «خب تو همش "عشق خرکی ابدی" نگاه می‌کنی!» دری باز شد و صدای بزی آمد که گفت: «اگه شما دو دقیقه گذاشتین من کتاب بخونعهعم! این کارا فایده ندارهعمعم. شما نعهعم کتاب می‌خونین، نعهعم درست کار می‌کنین. کسی که می‌خواد به جایی برسهعمعم، یا باید درست فکرکنهعمعم یا باید درست کارکنهعمعم، وگرنه یا دوشیده می‌شهعمعم یا سواری می‌دهعمعم!» کمتر بخور بخواب کنین و از پای رسانه‌ها بلند شین، بیرون رو نگاه کنین، همهعمعم که مثل شما نیستن! بقیه آدم‌ان! دارن توی همین وضعیت با کار و فکر زندگی شون رو می‌کنن.»



امشب صداها عجیبی از خانه بغلی می‌آمد. من پیرمرد هم که خوراکم صدای همسایه‌هاست، نشستم پشت دیوار و شروع کردم به گوش دادن. اولش آواهای مختلفی شنیدم. آاااا... آاااا... به نظرم رسید دارند تمرین بیان می‌کنند. گفتم: «به به! یک گروه موسیقی سابقاً زیرزمینی جدیداً آپارتمانی‌ان اینا. دارن تمرین می‌کنن بخونن. یک کنسرت رایگان افتادیم!» بعد یک نفر شروع به صحبت کرد: «این طوری نمی‌شه. هرچی گفتن، بگیم چشم؟!» دیگری ادامه داد: «راست می‌گه. منم دیگه خسته شدم. آخه چه خبره این همه کار! فالوئرام می‌گن چرا پست نمی‌ذاری؟! مگه وقت برای ما گذاشتن؟!» نفر دیگر گفت: «تازه به جاش چی می‌دن؟ یه نون بخور نمیر.» با خودم گفتم: «نه بابا، از کنسرت خبری نیست. مثل اینکه دورهمی چندتا کارمنده که دارن از حقوق و میزان کارشون توی شرکت خصوصی که کار می‌کنن، گلایه می‌کنن. امشب چیزی کاسب نیستیم.» داشتم بلند می‌شدم بروم که یک نفرشان داد زد: «می‌دونین مشکل کجاست؟ اینا فکر می‌کنن ما بلد نیستیم حرف بزنیم و شکایت کنیم. باید یه اقدام حقوقی انجام بدیم.» دیگری گفت: «اقدام حقوقی چه فایده داره وقتی همه چیز ما دست ایناست؟!» نفر بعدی گفت: «همین رو بگو. به نظرم چاره‌ش اینه که فقط بگیریمشون زیر مشک و لگد!» دیگری گفت: «آفرین. بزنیمشون. چار تا تصویر بره توی رسانه‌ها، حساب کار دستشون می‌آد.»



صفحه ۷
۲۷ اردیبهشت ۱۴۰۴
شماره ۱۳۹

ایجو، مگفتن

مهدی محمدی

امیر قطر:

خوش حالم جام جهانی در آمریکا برگزار می‌شود. حاضریم تجارب خود در برگزاری جام جهانی را منتقل کنیم.

(خبرگزاری دانشجویان)



شاه بحرین:

خوش حالم مساحت آمریکا زیاد است. حاضریم تجربیات خود را درباره ریاست کشور خیلی وسیع منتقل کنیم

ولیعهد عربستان:

خوش حالم اسم خلیج مکزیک قرار است خلیج آمریکا شود. حاضریم تجارب نام‌گذاری‌های من در آوردی را منتقل کنیم.

نخست‌وزیر ژاپن:

خوش حالم چین و آمریکا با هم به مشکل خوردند. حاضریم تجربیات خود را در مورد مشکل داشتن با چین منتقل کنیم

رئیس امارات:

خوش حالم گفتید کانادا بخشی از آمریکا شود. حاضریم تجارب خود را در ادعای مفت مالکیت جاهایی که مال خودمان نیست، منتقل کنیم

یک دانش آموز:

خوش حالم مشکلات را تقصیر دولت بایدن انداختید. حاضریم تجارب خود را درباره «تقصیر شیفت قبلی‌ها بود» منتقل کنیم.

در خبرها داشتیم معاون امور دانشجویان وزارت علوم گفته است: «دانشگاه‌ها تا ۱۰ سال دیگر با کاهش شدید دانشجو مواجه می‌شوند.»
مگر ما مرده باشیم که صندلی خالی در دانشگاه بماند. با این راهکارها پرش می‌کنیم:

راهکارهای جذب دانشجو



سازمان اداری استخدامی کشور: دستگاه‌های اجرایی موظف‌اند کارکنانی را که امکان دورکاری‌شان وجود دارد، دورکار کنند.

دوری و دوستی

حرف در باب دورکاری‌ها گفته‌اند و هنوز بسیار است اینکه سودش چقدر می‌باشد یا زیان‌هاش در چه مقدار است گرچه اظهار رأی در این باب ساده نه، بلکه سخت دشوار است قفل این درب رالسان العیب واکنند، چون کلید اسرار است پس شما ای مدیر عالی قدر گرکه گوشت به من بدهکار است... پاسخ بنده را بده فوراً چون تو را هوش و مغز سرشار است اولاً اینکه از کجا معلوم کارمند تو بر سرکار است؟ ساعت هفت روی تختش نیست؟ نیست در حال چرت و بیدار است؟ فرضا اصلاً که هست بیدار و کاملاً سربه‌حال و هشیار است... پشت میزش نشسته قبارق و توی دستش مداد و خودکار است... باز هست از کجا مشخص که با چه آن لحظه در کلنجار است؟ گرم گشت و گذار در واتساپ یا اینستا و آپ و دیوار است یا که گرم خرید سهم از بورس یا فروش دلار و دینار است یا به دنبال رمزارز و تتر یا بی برگه بهادار است یا که فرزند کوچک خود را هم مربی و هم پرستار است تا پیرسی چرا چنین باشد پاسخ او به غیر از انکار است؟ تازه تنبیه حضرت سرکار یک دو هشدار، فووقش اخطار است پس یگو جان من دلبلش چیست؟ این چنین حرکتی سزاوار است؟ داد پاسخ: دلیل را گویم گرچه اکنون زمان ناهار است گفته‌اند از قدیم، اهل خرد دوری و دوستی بهین‌کار است

الهی! به ما قدرتی مثال زدنی عطا کن که اگر تغییر ساعت‌ها ما را نکشت، جسم، روح و روانمان همچنان قوی و پر قدرت باقی بماند!

پلخمون

ضمیمه طنز و کاریکاتور روزنامه شهرآرا
صاحب امتیاز: شهرداری مشهد
مدیر مسئول: سیدمجتب موسوی‌مهر
سرمدبیر: سیدسجاد طلوع هاشمی
دبیر ضمایم: ارزنگ حاتم
دبیر پلخمون: مجتبی پلخمی‌راد
صفحه آرایی: ساعد عاشوری

پیاک: ۳۰۰۲۲۸۹
دریافت نسخه الکترونیک از: shahraraneews.ir